

زین العابدین ابراهیمی
قاضی دادگستری

بررسی علل اطاله دادرسی در محاکم عمومی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

تحقق بخشیدن به عدالت در مورد تظلمات و تعدیات و فصل و رفع خصومات، کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای حدود الهی و گسترش عدالت قضایی و استیفای حقوق الهی و مردم و اجتماع از اهداف بزرگ قوه قضائیه است که اجرای آن به دست محاکم پیش‌بینی شده در قانون می‌باشد.

عدالت قضایی و اجرای آن منوط به داشتن یک سیستم غنی و قوی دادرسی است که با روشها و شیوه‌های علمی و عملی به نیازهای انسان امروز و پیچیدگی مسائل مبتلا به او اعم از حقوقی و قضائی پاسخ گوید.

داشتن یک سیستم دادرسی دقیق و همه جانبه در گرو داشتن قوانین مدون جامع و منسجم و زوال خلاءهای قانونی و داشتن قضات مجرب است و تقویت این امور تنها راه رسیدن به سیستم دادرسی مطلوب و ایده‌آل است از طرفی با طلوع خورشید

حیات‌بخش اسلام و پیاده شدن احکام الهی و اسلامی انتظار مردم برای اجرای عدالت و عمل به احکام اسلامی بیشتر خواهد بود و مردم انتظار دارند در دعاوی خود دچار سردرگمی و یأس نشوند و اطلاع دادرسی آنها را آزار ندهد. پیشرفت تکنولوژی می‌طلبد که مطابق آن قوانین نیز بررسی و مورد تجدیدنظر قرار گیرند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای جدید جامعه باشد.

اهم علل اطاله دادرسی

۱- عدم تناسب دعاوی و سطح علمی دادرسان

با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در تاریخ ۱۵/۴/۷۴ در مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان و اعطای صلاحیت عام به محاکم، لازمه‌اش این بود که قضات دادگستری و قضاتی که بعد از تصویب این قانون جذب می‌شوند از بار علمی و عملی لازم و کافی در مواجهه با اقسام دعاوی و جرائم پیچیده روزمره برخوردار باشند تا هنگام رسیدگی با تسلط کافی به علوم روز از جمله جرم‌شناسی، کیفرشناسی، علم زندانها، سیاست کیفری، پزشکی قانونی، پلیس علمی، انگشت‌نگاری، تن‌آزمونی، آسیب‌شناسی، شیمی قانونی و غیره با صدور دستورات جامع و بهره‌مندی از امکانات موجود به پرونده‌ها رسیدگی کرده و از تجدید جلسات دادرسی و نتیجه از تراکم پرونده‌ها جلوگیری نمایند. آنچه واقعیت دارد این است که اکثر قضات فعلی محاکم از نظر علمی تناسبی با دادگاههای عمومی ندارند چرا که گاهی در مواجهه با دعاوی متعدد و جرائم پیچیده مختلف جز تجدید جلسه و نهایتاً اطاله دادرسی و سردرگم شدن ارباب رجوع چاره‌ای ندارند.

ماده يك قانون فوق‌الاشاره مؤيد اين بند می‌باشد.

«به‌منظور رسیدگی و حل و فصل دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد دادگاههایی با صلاحیت عام به شرح مواد آتیه تشکیل می‌شوند.»

۲- کثرت قوانین و پراکندگی آنها

یکی از علل اطاله دادرسی در محاکم جمهوری اسلامی ایران کثرت قوانین است از آنجایی که در هر رشته‌ای از علوم متخصصین آن برای خود ابزار کار دارند در امر قضا نیز ابزار کار برای هر قاضی قانون موضوعه است، هر چقدر ابزار کار دقیق باشد قاضی را سریعتر به سر منزل مقصود که همانا احقاق حق و اجرای عدالت است راهی خواهد نمود. قوانین فعلی از جامعیت و کلیت کافی برخوردار نبوده و مضافاً تعداد آنها آن قدر زیاد است که قاضی یا وکیل را سردرگم می‌کند. به‌قول یکی از اساتید، قوانین ایران در دست قضات به سلاحهای عساکر عصر حجر می‌ماند. «می‌گویند عساکر عصر حجر وقتی به جنگ با روسها می‌رفتند از باب تنوع اسلحه خیلی تماشایی بودند یکی برنو داشت، یکی پشتو داشت، دیگری تکلول ساچمه‌زنی داشت و آن بعدی تفنگ فتیله‌ای سرپر، یکی فلاخن به کمر می‌بست و دیگری شمشیر، یکی ساتور در دست داشت و دیگری نردبان و با چنین ساز و برگی برای مقابله با سپاه روس قدم در راه می‌نهادند.»^{*} قوانین دست قضات نیز به لحاظ کثرت از دور تماشایی است چرا که ناسخ و منسوخ و مقررات تکراری است این کثرت موجب دیرپای بودن قانون در مسائل مختلف گشته و نهایتاً دادرسی را به تأخیر می‌اندازد.

۳- عدم استفاده صحیح از قضات تحقیق و محدود بودن اختیارات آنان

هرچند که قضات تحقیق غالباً جوانترین و علاقمندترین کادر قضائی دادگستری را تشکیل می‌دهند و تعداد آنها نیز در تشکیلات قضائی قابل توجه می‌باشد و مع‌ذالك

در عمل استفاده کافی از آنها به عمل نمی‌آید چرا که به موجب قوانین موضوعه فعلی چنین قضاتی بایستی در معیت محاکم انجام وظیفه نمایند و در عمل برخی از محاکم یا از آنها هیچ‌گونه استفاده‌ای نمی‌کنند و یا اگر استفاده می‌کنند قضات تحقیق چنان غیرمسئولانه عمل می‌نمایند که گویا قاضی نیستند.

تبصره یک از ماده ۱۴ و همچنین ماده ۱۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مؤید این نقطه نظر می‌باشد.

ماده ۱۴ و تبصره یک آن «دادگاههای عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل تشکیل می‌شوند و تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم به وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت و همچنین اظهار نظر قضایی و انشای رأی با اوست.»

تبصره ۱:

رعایت دستورات این ماده مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرع و قانون پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور وزیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق به عمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذی‌صلاح دیگر انجام شود.

ماده ۱۵ «قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضائی عهده‌دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب در رسیدگی و اجراء به آنان ارجاع می‌شود.»

با توجه به مراتب فوق ملاحظه می‌شود قضات تحقیق در مختومه نمودن پرونده‌ها چندان مؤثر نبوده و به جز زیاد نمودن آمار قضات در دادگستریها و به دنبال آن ایجاد توقعات در جهت حل و فصل سریع دعاوی نقش دیگری ایفا نمی‌نمایند.

۴- جذب نشدن کادر کافی قضائی و دفتر و نبود امکانات متناسب با محاکم

عمومی

بر اساس ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب «دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضای دفتری دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمند به تعداد لازم اقدام کند اجازه مذکور صرفاً برای تشکیلات مربوط به دادگاههای عمومی است.»

به موجب ماده ۳۶ قانون فوق الذکر «دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسایل و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسائط نقلیه و دیگر لوازم و وسائل را فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسائل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد.»

هر چند که به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از نیروهای فاضل و حقوقدان تعداد کثیری جذب قوه قضائیه شده و در راستای اسلامی شدن قوانین و مقررات و به تبع آن صدور احکام شرعی قدمهای مؤثری برداشته شده است ولی علی‌رغم آن تعداد قضات، با تقاضای جامعه و پرونده‌های موجود در محاکم بخصوص با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و چارتهای پیش‌بینی شده در حوزه‌های قضائی متناسب نیست امروزه هنوز ما وقتی يك قاضی شعبه به مرخصی می‌رود در جایگزین نمودن دادرسی علی‌البدل به جای وی به لحاظ کمبود کادر قضائی مشکل داریم. قاضی وارداتی نیست که بتوان با وارد کردن آن از جاهای دیگر خلاءهای موجود را پر نمود به‌رحال باید تحمل کرد تا انشاء... مسئولین محترم قوه قضائیه در صدد چاره آن باشند. ضمن اینکه این نقیصه به اطاله دادرسی در محاکم می‌انجامد مضافاً کمبود کادر دفتری و تشریفات جذب آن نیز علت دیگری است بر رسیدگیهای توأم با تأخیر محاکم قضائی، پر واضح است علی‌رغم اینکه رسیدگی و حل و فصل دعاوی به‌عهده قضات می‌باشد اجرای دستورات قضائی نیز برعهده کادر

زحمتکش و سخت‌کوش اداری قوه قضائیه می‌باشد که تعداد آنها نیز با وضعیت فعلی حوزه‌های قضائی متناسب نیست و این خود به نوعی در اطاله دادرسی مؤثر می‌باشد چرا که به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم هر انسانی در هر کاری به اندازه وسع خود می‌تواند انجام وظیفه بکند و خواستن بیش از آن خطاست (لایکلف الله نفساً الا وسعها) خدا هیچ‌کس را تکلیف نکند مگر به اندازه توانائی او.

امیدوارم این مهم با وعده‌هایی که مسئولین محترم قوه قضائیه به مردم داده‌اند سریعاً محقق گردد.

در تأیید این قسمت، مطالبمان را به کلامی از حضرت امام خمینی قدس سره الشریف مزین می‌کنیم.

ما الان باید نسل جوان را برای قضاوت، برای تبلیغ تربیت کنیم، برای قضاوت که واجب، واجب کفائی است برای همه، باید تربیت کنیم که این واجب کفائی تحقق پیدا بکند.

احتیاجات ما زیاد است، احتیاج به تبلیغ و احتیاج به قضاوت و در عین حال که شورای عالی قضائی (قوه قضائیه) زحمت کشیده ولی کمبود قاضی وجود دارد حوزه‌ها و علما باید همت کنند که درس قضا بگویند و قضات را از فنونی که در سابق مانند زمان حضرت امیر علیه السلام استفاده می‌شد آگاه کنند که مسئله قضاوت تنها یک مسئله علمی نیست بلکه یک مسئله فنی هم هست که گاهی از همین طریق قاضی به اطمینان می‌رسد که در باب قضا حجت است.

۵- عدم رعایت تقسیم کار و اصل تخصص در محاکم

علیرغم تجویز قانون، در ماده ۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب «به رئیس قوه قضائیه اختیار داده می‌شود در هر حوزه قضائی که لازم باشد با لحاظ

نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هر يك از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی دعاوی، حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد.»

و از آنجا که یکی از نتایج مهم تخصصی نمودن دادگاه تسلط بیشتر قضات به پرونده‌ها و نتیجه تسریع در رسیدگی و احقاق حق و ابطال باطل خواهد بود و این مهم به عنوان يك اصل در نزد حقوقدانان و قضات پذیرفته شده است هنوز به مفاد ماده فوق در کلیه حوزه‌های قضائی جامه عمل پوشانده نشده و از این طریق نیز موجبات اطاله دادرسی در محاکم عمومی فراهم گردیده است.

۶- کافی نبودن آموزشهای کادر دفتری حوزه‌های قضائی

هر چند که امروزه شاهد برداشته شدن قدمهای بلندی در قوه قضائیه راجع به دادن آموزش لازم به کادر قضائی و دفتری هستیم علی‌رغم آن کادر فعلی پیش‌بینی شده برای محاکم اکثراً آموزشهای لازم را در مشاغل تحت تصدی خود ندیده، و اجرای ناصحیح دستورات قضائی به نوبه خود در تجدید جلسات دادگاه مؤثر است. برای مثال به موجب قانون، مدیران دفاتر دادگاهها بایستی موارد صدور قرار رد دادخواست را بدانند یا نحوه اجرای برخی از قرارها را که اجرای آن به مدیر دفتر محاکم واگذار می‌شود بایستی مطلع باشند یا منشیهای محاکم باید نحوه تعیین اوقات به پرونده‌های ارجاعی به محاکم را از حیث تعیین وقتهای معمولی و نزدیک و فوق‌العاده و احتیاطی را بدانند و مواردی از این قبیل که بی‌اطلاعی هر کدام از مدیران و منشیها خود به نوعی در تجدید جلسات دادگاه مؤثر بوده و تأخیر در رسیدگی را به دنبال دارد.

۷- بی‌توجهی به کیفیت پرونده‌ها

از آنجا که اخیراً به آمار دادن و مختومه نمودن پرونده‌ها در محاکم قضائی بیشتر از هر چیز دیگر توجه می‌شود و لذا قضات غالباً به دنبال پرونده‌های ساده و کم‌حجم

هستند تا بتوانند در پایان هر ماه عملکرد آماری بهتری از خود نشان بدهند این موضوع و موضوعات مشابه آن قضات را اعم از دادرس و رؤسای دادگاهها از تفکر و تأمل در پرونده‌های مهم بازداشته و سبب تجدید شدن چنین پرونده‌هایی می‌گردد بدین ترتیب به آمار موجودی محاکم هر روز افزوده شده و موجبات اطاله دادرسی و دادن وقتهای طولانی به طرفین پرونده‌ها فراهم می‌گردد.

ماده ۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مؤید این بند می‌باشد که مقرر می‌دارد «قضات دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعای و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند.»

۸- فقدان سیستم کارآمد جهت اجرای دستورات محاکم

به موجب ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلائل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

- ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور زندانیان
- ۳- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظائف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.
- ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.

۵- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظائف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

براساس ماده ۱۷ همان قانون «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظائفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با رئیس حوزه قضائی است.»

با توجه به مراتب فوق نیروهائی که در خارج از قوه قضائیه و وظیفه اجرای دستورات قضائی را برعهده دارند مشخص است و لیکن اگر اساسنامه‌های تأسیس ضابطین فوق را بررسی کنیم کاملاً مشهود است که یکی از وظایف آنها اجرای دستورات قضائی می‌باشد آن هم بعضاً در ردیفهای چندم یعنی اگر کار دیگری برای آنان پیش بیاید قطعاً احکام و دستورات دادگاهها بر زمین خواهدماند هر چند که قانون‌گذار ضمانت اجرائی خاصی جهت عدم اجرای دستورات قضائی در ماده ۱۶ همان قانون پیش‌بینی نموده است و لیکن آن نیز چاره کار نیست آنچه که در این برهه از زمان می‌تواند به کمک محاکم در جهت جلوگیری از اطاله دادرسی بیابد پیش‌بینی یک نیروی ویژه تحت عنوان پلیس قضائی یا هر عنوان دیگر می‌باشد که به موجب اساسنامه‌اش جز اجراء و انجام دستورات قضائی وظیفه دیگری نداشته و برای این منظور آموزشهای لازم را دیده باشند.

۹- عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته جهت تسریع در کارها

امروزه برخی از جرایم طوری طراحی شده‌اند که با وسائل سنتی نمی‌توان آنها را کشف نمود به عنوان مثال:

کلاهبرداریهایی که به وسیله کامپیوتر انجام می‌گیرد اگر قضات و ضابطین به وسائل کامپیوتری آشنائی نداشته و یا دسترسی نداشته باشند قطعاً در کشف چنین جرائمی بایستی زحمات زیادی متحمل شوند از آنجا که جوامع مختلف روزبه‌روز به سوی پیشرفت تکنولوژیکی گام برمی‌دارد جرائم نیز حالت‌های سنتی خود را از دست

داده و به صورت پیچیده در جامعه اتفاق می‌افتند و بعضاً تعداد آنها نیز به لحاظ سریع الکشف نبودن آن رو به ازدیاد است به موجب تحقیقات انجام شده توسط نیروی ویژه تکنولوژی اطلاعاتی جامع اروپا در سال ۱۹۸۴ کلاهبرداری پس از آتش‌سوزی بیشترین خسارت را به تأسیسات کامپیوتری اروپا وارد می‌کند. یکی از نشریات انگلیسی در مورد خسارات وارده به بانکها از این رهگذر می‌نویسد سوء استفاده از کامپیوتر غالباً مخفی نگاه داشته می‌شود لیکن جرائم کامپیوتری ضررهای هنگفتی به بانکها زده است. تحلیل‌گران امنیتی معتقدند یکی از چهار بانک اصلی انگلستان مجبور شده است که در سال ۱۹۸۵ هشتاد و پنج میلیون پوند برای جبران خسارت ناشی از کلاهبرداری کنار گذارند تخمینهایی که در سطح جهان زده می‌شود بین ۱۴۵ تا ۷۳۰ میلیون دلار در نوسان است.

طبق اطلاعات موجود یکی از این چهار بانک بر اثر يك فقره کلاهبرداری که در ماه ژوئیه سال ۱۹۸۴ ارتکاب یافت مبلغ شش میلیون پوند را از دست داد مسؤول برنامه‌ریزی کامپیوتر مجموعاً شش میلیون پوند به حساب خود منتقل کرده و بلافاصله به سوئیس گریخت طبق گزارش جراید این جرم به کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی نیز راه پیدا کرده و خسارت هنگفتی به بانکهای این کشورها زده است.

از این رو لازم است قوه قضائیه نیز به منظور کشف سریع جرائم و رسیدگی به دعاوی مطروحه مجهز به تکنولوژی روز باشد. به طوری که شاهد روزی باشیم که در روی میز هر کدام از قضات و حتی دفاتر محاکم دستگاههای رایانه وجود داشته و دادگاهها با استفاده از آنها هر چه سریعتر به پرونده‌ها رسیدگی نموده مانع اطاله دادرسی باشند برای این منظور در قانون به شرح زیر مجوزی پیش‌بینی شده است.

به موجب ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (دولت مکلف است

در اسرع وقت امکان تهیه وسایل و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسائط نقلیه و دیگر لوازم و وسایل را فراهم کند و اعتبار مربوطه برای این وسایل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد.

۱۰- پائین بودن سطح آگاهیهای قضایی و حقوقی شهروندان

از آن جایی که یکی از وظایف مطبوعات و رسانه‌های گروهی بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهیهای عمومی مردم می‌باشد از این رو مطبوعات به‌عنوان رسانه مؤثر با بالا بردن اطلاعات مردم از طریق میزگرد، گزارش، برنامه‌های مدون و مداوم آموزشی چاپ مسائل حقوقی به شکل روان و در خور فهم عمومی می‌توانند به قوه قضائیه در جهت جلوگیری از اطاله دادرسی در محاکم کمک نمایند.

۱۱- ضرورت تقویت و بسط دسترسی مردم به وکیل رسمی دادگستری

اهمیت تعیین وکیل در دعاوی اعم از کیفری و مدنی به حدی است که قانونگذار در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) در فصل دوم از باب دوم در سه ماده مفصل (۱۸۵ الی ۱۸۷) و در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در باب دوم کتاب اول در ۱۷ ماده (۳۱ الی ۴۷) پیش‌بینی نموده‌است و در عمل قضات محترم در پرونده‌هایی که وکیل دارد سریعتر به نتیجه رسیده احکام لازم را صادر می‌نمایند چرا که طرح دعاوی غلط که عمده ناشی از ارشاد ناصحیح مردم و مراجعین توسط اشخاص غیرحرفه‌ای بوده به جز اتلاف وقت خود مردم و مراجعین و بالا بردن آمار سیاه پرونده‌ها در محاکم و نتیجه جلوگیری از صرف وقت قاضی برای احقاق حق حاصل دیگری نخواهد داشت. فعال

نمودن واحد ارشاد و معاضدت قضائی در هر حوزه قضائی حداقل اقدام در جهت طرح صحیح دعاوی و شکایت خواهد بود.

۱۲- عدم حمایت اصولی از نهاد داوری

هر چند که قانونگذار باب هفتم از ابواب نه‌گانه قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی را به داوری اختصاص داده‌است ولی در عمل این نهاد جایگاه خود را در میان مردم و ادارات دولتی پیدا نکرده‌است به‌عنوان مثال براساس ماده ۴۵۴ قانون فوق‌الاشعار «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده‌باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد به داوری يك یا چند نفر ارجاع دهند» و براساس ماده ۴۵۷ همان قانون «ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اصلاح مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد در مواردی که طرح دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.»

۱۳- ضرورت ایجاد اصلاحات در بافت اداری دادگستری

هر چند که بافت اداری دادگستری اصلاحات عدیده‌ای را می‌طلبد ما به يك نمونه اشاره می‌کنیم. امروزه رسیدگی به پرونده‌های امور حسبه وقت زیادی از اوقات اداری و غیراداری دادگستری را گرفته و به سهم خود اطاله دادرسی در پرونده‌های کیفری و مدنی را موجب شده‌است بخصوص در محاکم عمومی بخشها و حوزه‌های قضائی درجه سه مسئله کاملاً مشهود است بنابراین بهتر است با تأسیس سازمانی

تحت عنوان سازمان امور حسبه بار قضاات محاکم کاسته شده و به جای صرف وقت در چنین پرونده‌هایی، قضاات به مسائل قضائی مهمتر رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند.

۱۴- عدم ارزشیابی دقیق و مستمر از عملکرد قضاات

با بررسی وضعیت هر نهاد یا سیستم موفق یکی از اصولی که جلب توجه می‌کند اصل ارزشیابی است امروزه در دادگستری و محاکم عمومی ما متأسفانه به این اصل یا بهایی داده نمی‌شود و اگر بعضاً بازرسانی نیز به همین منظور وظایفی را عهده‌دار می‌شوند نتیجه عمل آنها را در جایی شاهد نبوده‌ایم بنده بر این باور هستم که ارزشیابی قضاات و حتی کارکنان اداری محاکم نه به نحو موجود بلکه به شکل اصولی خود باعث شناسائی عناصر کارآمد از افراد غیرفعال شده و با اعمال تشویقها و تنبیه‌های لازم تأثیر این بند را در عدم اطاله دادرسی در محاکم شاهد خواهیم بود.

۱۵- ارزش قائل شدن برای کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی قضاات

نقش نظارتی قوه قضائیه بر همه دستگاههای کشور و مأموریت پیشگیری از وقوع جرم، تقویت دانش قضائی قضاات را می‌طلبد هر چند که در این قوه فقها و حقوقدانان مؤمن و متعهد کم نیستند و دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ایران به‌همت آنان راههای دشوار و نارفته‌ای را پیموده‌است ولی علی‌رغم آن، وقتی از برخی قضاات مستعد و جوان علت عدم ادامه تحصیل و مطالعات علمی را جویا می‌شویم ارزش قائل نشدن مسؤولان امر را به مدارج عالیترا و یا نوشتن مقاله و کتاب و غیره مطرح می‌کنند پرواضح است که تشویق قضاات و حتی کارکنان اداری قوه قضائیه به فراگیری علم و بالا بردن اطلاعات در رشته‌های تخصصی و کاری به نوبه خود سهمی در رسیدگی سریع به پرونده و نهایتاً جلوگیری از اطاله دادرسی خواهد داشت.

در پایان با توجه به اهم موارد اطلاع دادرسی ذکر شده امید است دست اندرکاران و مسؤولان محترم با توجه به اهداف قانونگذار از تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که همانا ایجاد سیستم دادرسی اسلامی و اسلامی کردن قوانین دادرسی و مراجعه مستقیم به قاضی و جلوگیری از اطلاع دادرسی می باشد درصد رفع عوامل مذکور برای اطلاع دادرسی برآمده و شاهد روزی باشیم که در جامعه اسلامیمان مواجه با معضلی به نام اطلاع دادرسی نباشیم. به امید آن روز.

* * *

این که می‌گوییم احکام، تنها احکام فقهی نیست، مسائل بازتر و گسترده‌تر از احکام فقهی است. روح تعالیم اسلام و شریعت اسلامی را می‌توانیم از این مبانی نورانی و از این میراث بسیار غنی که بهترین سیاستهای توسعه را دارا می‌باشد، به دست آوریم. ما مدعی این هستیم که این سیاستها اگر درست استخراج شود و دقیق، کامل و همه‌جانبه با تجارب امروز تطبیق داده شود؛ و در این قالبها و شکلهای تعبیه و قالبسازی شود و نظریه‌پردازی شود. دارای حرف جدیدی برای دنیای حقوق روز و دنیای قضای روز هستیم.

آیت‌اله، هاشمی‌شاهرودی ریاست قوه قضائیه

همایش سراسری قوه، ۱۳۷۹

در این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- امام خمینی ره صحیفه نور ج ۱۸.
- ۲- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵.
- ۳- دکتر آشوری محمد آئین دادرسی کیفری جلد اول.
- ۴- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی.
- ۵- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب بخش کیفری.